

## بررسی صحت روضه التماس آب توسط امام حسین (علیه السلام) و چگونگی شهادت علی اصغر

### آیا روضه التماس آب توسط امام و روایت مشهور شهادت حضرت علی اصغر درست است؟

مسئله عطش و التماس آب توسط امام و به ویژه چگونگی شهادت حضرت علی اصغر از روضه‌های مهم و مشهوری است که همواره بر سر زبان‌هاست. متأسفانه گاهی برخی دوست‌داران امام از روی محبت یا منافع شخصی به حقیقت واقعه کربلا آسیب‌های جبران‌ناپذیری وارد می‌کنند. مثل آن دست از مداحان و واعظینی که با آگاهی بسیار مختصری از مقاتل صحیح روایاتی نادرست از وقایع عاشورا بر منبرها می‌خوانند.

از وقایع مهم این‌چنینی روایت اظهار عطش و التماس آب توسط امام حسین (علیه السلام) برای خودشان و حضرت علی اصغر و در نهایت شهادت این نوزاد است. بسیار برای‌مان خواننده‌اند که امام حسین (علیه السلام) نوزاد شش ماهه را در مقابل دشمن سر دست گرفته و با عبارات ترحم‌برانگیز از دشمن قدری آب طلب کرده‌اند. در بررسی حقیقت ماجرا با پرسش‌های مهمی مواجه می‌شویم:

- علت اظهار عطش توسط امام در موقعیت‌های مختلف در روز عاشورا چه بود؟
- آیا این که امام کودکی شش ماهه را دستاویز رفع تشنگی خود قرار دهد، صحیح است؟
- چگونه ممکن است امام که تندیس عزت نفس و اقتدار است، در طلب آب التماس کند؟
- آیا ممکن است امام که از ابتدا آماده سختی‌ها و شهادت بودند، در این ابتلا سستی نشان دهند؟
- اصلاً نوزاد شیرخواره برای رفع تشنگی به آب نیازمند است، مقاتل صحیح در این باره چه می‌گویند؟

در بررسی بحث عطش در واقعه عاشورا رعایت انصاف در تحلیل واقعه بسیار مهم است. برخی امام را ابرقدرتی می‌دانند که تشنگی برای ایشان معنا ندارد. بعضی هم عظمت امام و اهداف قیام‌شان را با نسبت دادن عجز و التماس به ایشان مخدوش

می‌کنند. ابتدا باید بدانیم بنا بر مقاتل صحیح اگرچه امام در جایگاه‌های مختلف از تشنگی خود سخن گفتند؛ اما هیچ‌گاه در طلب آب التماس نکردند.

امام در پس این اظهارات اهداف مهمی را در نظر داشتند:

- ایشان در حال ارسال یک دستورالعمل و خبر مهم به نسل‌ها و قرون بعد بودند. پیغام چگونگی غصب خلافت که میراث غدیر و تکرار سقیفه در طول تاریخ بود.
- نگاه امام با دیدگاه افراد عادی متفاوت است. ایشان با هر قدم و کلام در پی جذب قلب‌ها و هدایت افراد به فطرت خویش بودند، نه در پی جرعه‌ای آب برای خودشان و اولادشان.

در مورد چگونگی شهادت حضرت علی اصغر هم روایات متعددی موجود است و بسیاری مقاتل به دو روایت اشاره کرده‌اند. اگرچه طلب آب توسط پدری برای نوزادش امری مذموم نیست، اما در بسیاری از مقاتل معتبر و اقوال مورد اعتماد این‌گونه نوشته‌اند، که امام برای وداع به خیمه‌ها بازگشته و در حال بوسیدن نوزاد بودند که حرمله تیری به گلوی نوزاد پرتاب کرد و او را به شهادت رساند. البته آن روایت معروف روی دست گرفتن نوزاد در مقابل دشمن هم در برخی مقاتل آورده شده است و استدلال‌هایی در توضیح این حرکت خواهیم داشت.

به طور کلی چگونگی شهادت حضرت علی اصغر مورد تردید است و بسیاری مقاتل به هر دو روایت اشاره کرده‌اند.

### حقیقت ماجرای عطش امام و شهادت حضرت علی اصغر در تورق تاریخ

مسئله عطش در عاشورا از قطعیات حادثه است، اما اصل التماس آب توسط امام برای خود و حضرت علی اصغر مورد تردید است. شهید مطهری در این مورد نوشته‌اند: «من هرچه در مقاتل جستجو کردم که جمله معروف طلب آب (اسقونی شربه من الماء؛ جرعه‌ای آب به من بنوشانید که جگرم سوخت.) را بیابم، موفق نشدم. امام کسی نبودند که از دشمن چنین طلبی داشته

باشند. فقط یک جا آمده که امام در طلب آب به سمت شریعه می‌رفتند ( و هو یطلب الماء)؛ و این به معنای طلب آب از دشمن نبود.<sup>1</sup>

در روایات آمده که امام چند مورد اظهار عطش کرده‌اند و گاهی درخواست آب داشته‌اند. اما انتساب جمله «اسقونی شربه من الماء» به امام حسین (علیه‌السلام) تا حدود ده قرن پس از حادثه عاشورا در هیچ منبع تاریخی صحیحی وجود ندارد. اما یک‌باره این جمله پس از گذشت هزار سال در کتابی به نام المنتخب (الفخری) دیده شده است. این کتاب را نمی‌توان یک مقتل یا تاریخ قیام عاشورا دانست؛ بلکه مجموعه‌ای از مرثیه‌های غمناک و حزن برانگیز است. نویسنده در تألیف این کتاب بر محتوای کتاب [روضه‌الشهدا](#) که بسیاری از روایات آن نادرست است تکیه کرده است. اگرچه این کتاب به جهت روضه‌های سوزناکش در میان روضه‌خوانان محبوب است، اما از سوی متخصصان حدیث به دلیل نقل گزارش‌های غیر معتبر مورد انتقاد قرار گرفته است.<sup>2</sup>

در بررسی چگونگی شهادت حضرت علی اصغر هم روایات مختلفی وجود دارد. شاید تعجب کنیم، اگر بدانیم روضه معروف روی دست گرفتن نوزاد در مقابل سپاه دشمن و التماس آب توسط امام برای او تنها در برخی منابع بیان شده است. اغلب مستندات معتبر بر این روایت اتفاق نظر دارند که امام حسین (علیه‌السلام) برای وداع به خیمه‌ها آمدند و نوزاد شیرخوار را طلب کردند. سپس کودک معصوم را در آغوش گرفته و صورت به نزدیک صورت او بردند تا او را ببوسند. در این هنگام حرمه بن کامل اسدی تیر سه‌شعبه‌ای به سمت گلوی علی اصغر پرتاب کرد و نوزاد را به شهادت رساند. از جمله این مقاتل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الإرشاد شیخ مفید، ابی مخنف، اللهوف، منتهی‌الآمال، تاریخ یعقوبی، بحار الأنوار، نفس المهموم، اعلام‌الوری بأعلام‌الهدی، مشیرالأحزان، طبری و قصه کربلا.

در برخی مقاتل هم آن روایت مشهور آمده که حسین (علیه‌السلام) نوزاد را در مقابل سپاه دشمن بر سر دست گرفته و از دشمن برای کودک طلب آب کردند. ناگهان حرمه تیری سه‌شعبه به حلق علی اصغر پرتاب کرد و نوزاد به شهادت رسید.

<sup>1</sup> مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج 2، ص 218

<sup>2</sup> میرزا محمد اشراقی، اربعین الحسینیة، ص 14، 56، 208 / محدث نوری، لولو و مرجان، ص 187

بعضی مقاتل نیز هر دو روایت مذکور را در نوشتارشان آورده‌اند.

## تحلیل روایات وارده در مورد چگونگی شهادت نوزاد کربلا و چرایی عملکرد احتمالی امام

در بین نقل‌های مختلفی که در این زمینه آورده شده ما هم به تبعیت از بزرگانی همچون شیخ مفید، استاد مطهری، طبرسی و دیگر بزرگان نقل شهادت نوزاد در هنگام بوسیدن را بیشتر محتمل می‌دانیم.

در میان مقاتلی که واقعه عاشورا را روایت کرده‌اند، برخی مقاتل از ارزش و اعتبار بیشتری برخوردارند؛ اما همین مقاتل معتبر هم به علت دست‌نویس بودن نسخه‌های خطی در طول تاریخ دچار برخی تحولات و تحریف‌ها شده‌اند. برای مثال مقتل الحسین ابی‌مخنف و شیخ مفید بسیار معتبرند، اما حتی همین مقاتل هم به مرور دچار تغییرهایی شده‌اند.

در اثبات شقی بودن دشمن امام در کربلا بیان همین مسئله به قتل رساندن کودکان کافی است. بسیاری مفسران و تحلیل‌گران تاریخ اسلام بر این باورند که چگونه ممکن است کسی که تا لحظه آخر در مقابل دشمن ایستاده و عزیزانش را یک‌به‌یک مذبح و تشنه به خدا تقدیم کرده، ساعتی پیش از شهادت چنین درخواستی داشته باشد، آن هم برای نوزادی که برای رفع تشنگی به شیر نیازمند است؟ در حالی که امام آگاه بودند که چه تشنه و چه سیراب باشند به شهادت خواهند رسید. این رفتار با رویکرد و سیره امام در تضاد است.

از سوی دیگر حتی اگر بنا را بر صحیح بودن آن روایت ضعیف و مورد تردید روی دست بردن نوزاد در مقابل دشمن بگذاریم؛ می‌توان دلایل و توضیحات محکمی برای این عمل امام حسین (علیه‌السلام) بیان کرد:

- امام که از هر فرصتی برای مخابره هدف قیام‌شان و ذات پلید دشمن به مردم عصر خود و آیندگان استفاده می‌کردند؛ طفل صغیر و شیرخوار خود را سفیر رساندن پیغام مظلومیت آل رسول (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌کنند.
- حقیقت درخواست با التماس متفاوت است. حتی اگر امام برای کودک آبی درخواست کرده باشند، ادعای التماس آب توسط امام برای علی اصغر مردود و نقلی بسیار ضعیف است.

• در مقام دعوت و هدایت مردم توسط امام آن‌گاه که پافشاری و لجاجت افراد در گمراهی به اوج برسد، امام برگ آخر را برای هدایت آن‌ها عیان می‌کند. برخی معتقدند روی دست بردن نوزاد در مقابل دشمن اتمام حجت امام با سپاه عمر سعد بود که فرصت نهایی را با این طفل کوچک به دشمن بدهند.

به طور کلی تفکر در اصل ماجرای شهادت حضرت علی اصغر به بشریت نشان می‌دهد که می‌توانی نوزادی شش ماهه باشی و مدافع و سفیر پیغام امام زمانت به تمام نسل‌ها و قرون شوی.

### عاشورا استراتژی هوشمندانه امام حسین (علیه‌السلام) و دکان کم‌فروشی برخی مداحان

مکتب عاشورا یک پروژه مهندسی شده عظیم است و امام حسین (علیه‌السلام) در تکان دادن هر مهره و گفتن هر کلام در پی اجرای هدف مهمی هستند. برای مثال مسئله کمبود آب و اظهار عطش توسط امام در موقعیت‌های مختلف سرشار از اهداف و پیام‌هایی عمیق است. چرا که امام می‌دانستند در صورت نوشیدن آب هم شهید خواهند شد. پس با استراتژی بیان عطش در تلاش برای پرده‌برداری از چهره کربیه غاصبان حق خود برای همگان و هم‌زمان در حال آموزش سبک مبارزه با طاغوت و دفاع از حقیقت بودند.

گفتیم که با گذشت زمان و دست به دست شدن مستندات چگونگی برخی وقایع مبهم شد و روایات مختلفی از آنها به دست ما رسید، مثل روایت چگونگی شهادت حضرت علی اصغر که ضمن مقاله به آن پرداختیم. ما هم به تبعیت از راستگوترین مورخان و صحیح‌ترین مقاتل مثل لهوف و مقرر و منتهی‌الآمال که دو روایت را آورده‌اند، هر دو روایت را بیان کردیم و به دلایل آن پرداختیم. اما آنچه بسیار مهم‌تر از چگونگی شهادت نوزاد و حقیقت التماس آب توسط امام است، این است که چرا ما به جای پرداختن به هدف امام و تفکر روی باطن حادثه‌ای که برای ایشان و اصحاب‌شان رخ داد، درگیر این حواشی کم‌اهمیت شده‌ایم؟

آیا این ماجرا که نوزاد امام روی دست ایشان در مقابل سپاه دشمن شهید شده باشند، یا تیر حرمله در هنگام وداع از خیمه‌ها به گلولی ایشان اصابت کرده باشد، تغییری در اصل ماجرا ایجاد می‌کند؟ آیا کودک‌کشی قومی که به شوق دنیای‌شان تیغ به روی امام عصرشان کشیدند، توجیه می‌شود؟ چرا اغلب افراد تقلای امام برای هدایت قومی که لجوجانه مقابل هدایت می‌ایستند را ندیده و با سرگرم شدن به این سؤالات از حقیقت امام‌شناسی غافل می‌شوند؟

به راستی چه شد که ما حقیقت امام حسین (علیه‌السلام) و قیام ایشان را لابه‌لای پرداختن به سطحی‌ترین سؤالات و شبهات گم کردیم؟ این مسئله طبیعی است که چگونگی برخی وقایع در طول زمان مبهم شود، اما آن حقیقت که امام برای نجات بشر تمام جان و دارایی و معشوق‌های خویش را قربانی کردند، هیچ‌گاه انکار نخواهد شد.

مکتب عاشورا یک پروژه مهندسی شده عظیم است و امام حسین (علیه‌السلام) با تکان دادن هر مهره و گفتن هر کلام در پی اجرای هدف مهمی هستند. برای مثال مسئله کمبود آب و اظهار عطش توسط امام در موقعیت‌های مختلف سرشار از اهداف و پیام‌هایی عمیق است. چرا که امام می‌دانستند در صورت نوشیدن آب هم شهید خواهند شد. پس با استراتژی بیان عطش در تلاش برای پرده‌برداری از چهره کربیه غاصبان حق خود برای همگان و هم‌زمان در حال آموزش سبک مبارزه با طاغوت و دفاع از حقیقت بودند.

از طرفی امام با اظهار عطش در محل‌های مختلف در پی بهانه‌ای برای بازگرداندن افراد به فطرت پاک و انسانی خویش بودند. نگاه امام با نگاه عامه مردم متفاوت است. در نگاه ایشان مردم عیال‌الله هستند و امام مسئول نجات و هدایت آنها به آغوش خدا و حقیقت وجودی‌شان است. به همین دلیل حسین (علیه‌السلام) در تمام لحظات در پی رسوخ به قلوب سنگ شده افراد حاضر در سپاه دشمن است. گاه به لبخندی، گاه به خطاب‌های، گاه به موعظه‌ای، گاه به رزم سخت و گاه با اظهار تشنگی. چرا که ایشان به خوبی می‌دانستند، تنها نجات دهنده هر انسانی امام اوست و سعادت هر انسان بدون امامش ناتمام خواهد ماند. اما متأسفانه بسیاری از مداحان به جای تبیین اهداف و جایگاه رفیع امام به شوق گرم کردن منبرشان به هر دروغ و اغراقی متوسل می‌شوند. گویی حسین (علیه‌السلام) محتاج اشک‌های ماست که با ضعیف و ذلیل ترسیم کردن ایشان و دروغ التماس آب توسط امام تأسف و افسوس بی ثمر شنوندگان را برای ایشان بخیریم.

گفتیم آن‌چه افراد را از دایرهٔ منطقی خارج می‌کند افراط و تفریط است. امام نیز در قالب جسمانی هم‌چون سایر افراد هستند و تشنه می‌شوند. برخی سعی دارند تشنگی ایشان را پشت قدرت معنوی ایشان پنهان کنند. اگر این‌گونه بود ارزش تحمل این فشار توسط ایشان آن‌قدر عظیم نبود. برخی هم دچار تفریط شده و ایشان را ضعیف و ذلیل معرفی می‌کنند. این‌گونه تحریف‌ها در توصیف حادثهٔ عاشورا بسیار به چشم می‌خورد.

به راستی دلیل کاهلی سخن‌وران و مداحان در مطالعهٔ مقاتل صحیح و تبیین درست حوادث چیست؟ البته بخشی از گناه این مسئله هم به دوش ما مستمعان است. ما شنوندگان پای منبرها نیز باید مطلع و حق‌طلب باشیم، ما باید از مداحان و سخنرانان تبیین اهداف امام و تطبیق پیغام‌های امام سال 61 هجری با پیغام‌های امام عصر خود را مطالبه کنیم.

آیا شما راهکاری برای رسیدن به این هدف بزرگ دارید؟